

مردم بدل گشت. در این میان استبداد داخلی و استعمار خارجی در صدد مقابله بر آمدند و با شدت یافتن این تقابل ها، علاوه بر انتشار و انفجار آزادی خواهی، نهضت ها و جنبش های مختلف نیز شکل گرفتند و خیلی زود سر به مبارزه بر آوردند. گسترده ترین و توانمندترین این نهضت ها، جنبش اصلاحی جهان اسلام بود.

این جنبش شامل ایران، مصر، سوریه، لبنان، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان می شود. در این کشورها کم و بیش داعیه داران اصلاح پیدا شده، اندیشه های اصلاحی عرضه کردند. این جنبش ها به دنبال یک رکود چند قرنی صورت گرفت و تا حدی عکس العمل هجوم استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب بود و نوعی بیدار سازی و رنسانس (تجدید حیات) در جهان اسلام به شمار می رود. (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۳۰)

همان گونه که در کلام شهید مطهری آمد، این خیزش اگر چه پس از رکود چند قرنی صورت گرفت، از منظر دیرینه شناسی و تبار شناسی این نهضت ها می توان به قیام هایی از این دست در جهان اسلام و در طول تاریخ اشاره کرد.

اجمالاً از این نهضت ها می توان به «قیام علویان در دوره اموی و عباسی، جنبش بابک خرم دین، قیام شعوبیه، نهضت اخوان صفا، نهضت فکری غزالی، قیام سربداران و...» اشاره کرد. اما در دو قرن اخیر به دلایل سیاسی و اجتماعی، نهضت های مختلف، اگر چه گاه قائم به شخص و فرد، شکل گرفت، در ایران و برخی کشورهای اسلامی به موفقیت هایی نیز دست یافتند. از برجسته ترین این قیام ها می توان به قیام سید جمال الدین اسد آبادی و شاگردش محمد عبده و نیز عبد الرحمن کواکبی، تالی آنها اشاره کرد. همچنین نهضت فکری اقبال لاهوری، جنبش تحریم تنباکو به رهبری میرزا حسن شیرازی، قیام استقلال عراق علیه انگلستان به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی، نهضت مشروطیت ایران به رهبری کسانی نظیر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبد... مازندرانی، سید عبد... بهبهانی و سید محمد طباطبائی، از آن جمله است.

با نگاه ویژه به نهضت های پدید آمده در ایران، علاوه بر نهضت سید جمال، جنبش تحریم تنباکو و نهضت مشروطیت باید به قیام و مبارزات سید حسن مدرس، مبارزات شاعران مشروطه نظیر میرزا ده عشقی، عارف قزوینی، سید اشرف الدین حسینی، فرخی یزدی، علی اکبر دهخدا و ابوالقاسم لاهوتی،

قیام سردار جنگل، قیام شیخ محمد خیابانی، قیام محمد تقی خان پسیان، فعالان حزب توده و کمونیست های ایران، کودتای ۲۸ مرداد و نهضت مصدق و کاشانی، جنبش سپاهک، فداییان اسلام، مؤتلفه اسلامی و... اشاره کرد.

روشن است که ماهیت این قیام های یکسان نبود و از نظر مشرب و ایدئولوژی با هم تفاوت ها و تمایز هایی داشتند، همچنان که در گذشته نیز چنین بوده است و به عنوان مثال «قیام های علویان در دوره اموی و عباسی غالباً اصلاحی بوده است. بر عکس جنبش بابک خرم دین و چند جنبش دیگر از این قبیل آنقدر آلوده و پلید بودند که برای جهان اسلام نتیجه معکوس داد، یعنی از تنفر مردم و خشم مردم نسبت به دستگاه جور خلقای عباسی کاست.»

(شهید مطهری، ۱۳۷۰، ۱۱)

به طور کلی نهضت های اخیر ایران را می توان در دو تقسیم ملی و اسلامی جای داد که غالباً ماهیت فکری داشته و کمتر به تقابل و مبارزه می اندیشند، جز آن که در دهه پایانی حکومت پهلوی دوم، پس از ناامید شدن از مبارزه سیاسی فکری - به علت خفقان شدید و اعدام بی درنگ مخالفان - نخله های کاملاً نظامی یا اقدام مسلحانه نظیر فداییان اسلام پدید آمد و با برخی از گروه های مبارز، شاخه نظامی برای خود تعریف کردند.

از آنجا که معمولاً یکی از منابع مطالعاتی شعر، به ویژه شعر معنا گر و اندیشه ورز، تاریخ و اطلاعات تاریخی است، بسیاری از این نهضت ها و تفکرات آنها و نیز افراد مطرح این جنبش ها در شعر معاصر تجلی یافته است که در ادامه بدان پرداخته می شود

ادبیات و به ویژه شعر به عنوان هنری پویا و جذاب در طول تاریخ کار کرده های مختلفی را تجربه کرده است و غالباً حیات خود را از همراهی با دردها و درخواست های بشر به دست آورده است

در این میان کارکرد مبارزه جویانه و ستیزه گر شعر همیشه یکی از وظایف و مسئولیت های آن به حساب آمده است و در این راه گهگاه روزگاری خونین را تجربه کرده است

* شعر سیاسی با بن مایه های اجتماعی و سیاسی در مخالفت با حکومت مرکزی و یا حمایت گران آن سروده می شود. شعر سیاسی بسته به نوع حکومت ها متفاوت است

و این در آمد برای دریافت بهتر اشعار ضروری می نمود.

■ شعر سیاسی

ادبیات و به ویژه شعر به عنوان هنری پویا و جذاب در طول تاریخ کار کرده های مختلفی را تجربه کرده است و غالباً حیات خود را از همراهی با دردها و درخواست های بشر به دست آورده است. در این میان کارکرد مبارزه جویانه و ستیزه گر شعر همیشه یکی از وظایف و مسئولیت های آن به حساب آمده است و در این راه گهگاه روزگاری خونین را تجربه کرده است؛ شکنجه ها، زندان ها و جلائی وطن های بی شماری را از سر گذرانده است و در ادبیات فارسی نیز چنین بوده است؛ جز آن که در قرون اخیر این تجربه نمایان تر و پیداتر بوده و شعر فارسی در دوره مشروطه یکی از خونین ترین روزگاران را پشت سر گذاشته و به تعداد حداقل پنج شاعر را در خون خویش غوطه داده است.

با این توضیح در می یابیم که شعر سیاسی، حاصل نوعی تضاد میان حکومت و مردم است، یعنی شعر سیاسی وقتی مفهوم پیدا می کند که حکومت با خواست عموم جامعه در تعارض باشد. «شعر سیاسی با بن مایه های اجتماعی و سیاسی در مخالفت با حکومت مرکزی و یا حمایت گران آن سروده می شود. شعر سیاسی بسته به نوع حکومت ها متفاوت است. در جامعه باز، شعر سیاسی صریح و بی پرده است، اما در جوامع بسته، نماد گرا و اشاره ای و یک نوعی خواهد بود. شعر سیاسی برای تغییر اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی می کوشد و مردم را به مقابله با حکومت تهییج می نماید. شعر سیاسی، شعر معترض است که حال را به شدت نامساعد می داند و آینده در آن مفهوم ویژه ای دارد.»

(علایی، ۱۳۸۷، ۲۲)

به نظر می رسد گونه ای دیگر از شعر سیاسی نیز می تواند وجود داشته باشد که بیشتر حکم و حالت روایتگر را دارد و در حقیقت راوی ماجراهای سیاسی و البته بیشتر روایت های مخالف حکومت است. به این معنی که در این نوع شعر، گونه ای پیوند با تاریخ ایجاد می شود و شعر در اینجا بستر تلویح و تلمیح حوادث سیاسی قرار می گیرد. همچنین ممکن است در این نوع شعر، تکریم مبارزان سیاسی و مخالفان حکومت صورت پذیرد و در آن قهرمان پروری بر اساس احساس و عاطفه ای که جامعه نسبت به آنان دارد، اتفاق می افتد. برای تبیین این دو گونه می توان از شعر مشروطه و شعر